

هنرمندانی از خاورمیانه مدرن در موزه بریتانیا

۴۷۹

Word into Art

*Artists of the Modern Middle East/ 18 May - 3 September 2006/ British Museum*

سفر به لندن در اردیبهشت ماه ۸۵ موقعیتی را پیش آورد که فارغ از مسئولیتهای اداری و اجرایی همیشگی با فراغ بال برای اولین بار از پایتخت بریتانیا دیدار کنم. شرح این دیدار و برداشتهای خود را از لندن در جایی جداگانه خواهم نوشت. آنچه که به این نوشته مربوط می شود گزارشی از برگزاری نمایشگاه «کلمه در هنر» در موزه بریتانیاست که امیدوارم تصویری از این نمایشگاه را به خوانندگان عزیز بخارا ارائه نماید.

روز پنجشنبه ۱۸ مه ۲۰۰۶ در سومین روز سفر از نمایشگاه «کلمه در هنر» بازدید کردم. ساعت دو و نیم بعد از ظهر بود و نمایشگاه ده صبح همان روز افتتاح شده بود. گالری های مختلف موزه لبریز از بازدیدکنندگان بود. همزمان با نمایشگاه هنر مدرن خاورمیانه، نمایشگاهی از طراحی های میکال آنز تحت عنوان «نزدیک تر به استاد» Closer to Master برگزار شده بود. این دو نمایشگاه در کنار نمایشگاههای دائمی موزه، بازدیدکنندگان بیشتری را که علاقه مند به مباحث مذکور بودند به موزه بریتانیا جلب کرده بود. هر چند عنوان نمایشگاه آثار میکال آنز بسیار وسوسه انگیز بود اما عرق ملی و منطقه ای! مانع از آن شد که نخست به دیدار آثار نابغه بزرگ و محبوبم بروم. پیش تر شنیده بودم که آثار چند هنرمند ایرانی نیز در این نمایشگاه عرضه

می‌شود...

به محض ورود به سالن اصلی، سقف مدور شیشه‌ای موزه با انعکاس زیبای نور، چشمان مشتاق مرا به سوی خود کشید و قدم‌هایم نیز از آنها تبعیت کردند. طراحی فضای بیرونی نمایشگاه به نحوی بارزی زیبا و متفکرانه بود. میزهای اطلاعات بروشورهای متعددی را در خصوص موزه و نمایشگاه‌های گوناگون آن ارائه می‌کردند. با این‌که مجسمه‌ای رنگارنگ و مناره مانند در ابعاد بزرگ در وسط سالن ورودی قرار گرفته بود، «هیچ» تناولی با رنگ قرمز پخته‌اش بر فواز اولین پاگرد پلکان ورودی، چشمان همگان را به سوی خود می‌کشید. از اولین لحظه این دریافت غرق لذت و غرور شدم.

نمایشگاه به دبیری خانم ونیشیاپورتر Venetia Porter در چهار بخش برگزار شده بود: الف - کتیبه‌های مقدس (Sacred Script) که شامل اسماء متبرکه، آیات قرآنی و سخنان پیامبر اکرم (ص) بود و هنرمندان این بخش با تکیه بر هنر خوشنویسی سنتی، سعی در ایجاد ترکیب‌بندیهای دینامیک نوین داشتند.

ب - ادبیات و هنر (Literature and Art) بخشی است که تأثیر سنتهای غنی ادبی در خاورمیانه را متذکر می‌شد و آنچه که هنرمندان از ادبیات فارسی و عرب الهام گرفته بودند.

ج - ساختار شکنی کلمه (Deconstructing the Word) این قسمت آثاری را در بر می‌گرفت که هنرمند را قادر به خلق تصاویر و ترکیب‌بندیهای مجردی از حروف کرده بود. در آثار این هنرمندان آن گونه که در بروشور نمایشگاه آمده است «معنا و خوانایی نسبت به فرم در درجه دوم اهمیت قرار دارد».

د - تاریخ، سیاست و هویت (History, Politics and Identity) آخرین بخش نمایشگاه بود که الهام از مسائل تاریخی و اوضاع سیاسی و فرهنگی منطقه و استفاده از قالبهای بیانی چون عکاسی دیجیتال، آثار بدیعی را در این قسمت به وجود آورده بود.

این نمایشگاه آثار بیش از هشتاد هنرمند معاصر خاورمیانه و شمال آفریقا را که به نحوی از کلمه و حروف در اثرشان استفاده کرده بودند، در بر می‌گرفت. به جز چند اثر، مجموعه عرضه شده متعلق به موزه بریتانیا بود که از اواسط سال ۱۹۸۰ به بعد خریداری شده بودند.

مجسمه مناره مانندی که به آن اشاره کردم، تنها اثری بود که توسط برگزارکنندگان نمایشگاه به هنرمند سفارش داده شده بود. ضیاءالعضاوی Dia - al azzawi هنرمند شناخته شده عراقی که سالها به عنوان باستانشناس نیز در دانشگاه بغداد فعالیت کرده است، این مناره حلزونی را ساخته بود.

شکل کلی این Spiralling minarat برای من تداعی کننده زیگورات‌های سومری بوده از مناره

ملوی Malwi در شهر باستانی سامره اقتباس شده بود و اشعاری از شاعر عراقی محمد مهدی الجوهری که در سال ۱۹۹۷ درگذشت، بر اولین چرخش بدنه مجسمه به صورت برجسته کاری حروف دیده می‌شد که تأکیدی بر مضمون نمایشگاه بود.

دقایقی را کنار «هیچ» قرمز تناولی گذراندم در حالی که چند بازدیدکننده انگلیسی مسحور آن شده ولی در عین حال با عجب و بیگانگی به آن می‌نگریستند. در ادامه نمایشگاه «هیچ» دیگری به رنگ زرد خردلی قرار داشت و آخرین «هیچ»، هیچ دو گانه سبز رنگی بود که برایم بسیار تازگی داشت، چون بین آثار استاد هنرمند هیچوقت «هیچ مضاعف» ندیده بودم! کنار هم قرار گرفتن دو هیچ و پشتیبانی یکی از دیگری در نهایت زیبایی و خلوص و ایجاز ساختار مرا بسی نهایت مجذوب می‌کرد. سالن بیرونی را پشت سر گذاشتم و وارد نمایشگاه شدم.

در اولین سالن مقابل در ورودی «هیچ در قفس» تناولی خودنمایی می‌کرد. حضور مؤثر ۴ اثر از تناولی در محوطه بیرونی نمایشگاه و یک اثر در آغاز اولین گالری، کاملاً تعادل نمایشگاه را به نفع ایران بر هم می‌زد! و من از این مسئله بسیار خوشحال بودم. سمت چپ «هیچ در قفس» کتیبه طفرایی از گنجینه ترک موزه بریتانیا مربوط به دوران سلیمان خان قانونی (۶۶ - ۱۵۲۰ م). آویخته شده بود تضاد «طفرای سنتی» و «هیچ مدرن» لحظاتی مرا به خود مشغول کرد در حالیکه هر دو اثر با پیچش‌ها و چرخش‌های خود گویی چالشهای حیات را بازگو می‌کردند...

عکسهای هنرمندان شرکت کننده در نمایشگاه و اسامی کشورهاشان درست روی دیوار مقابل در وردی نصب شده بود. ایران با ۱۷ هنرمند بیشترین حضور را در نمایشگاه داشت و پس از آن عراق و مصر به ترتیب بیشترین شرکت کننده‌ها را داشتند. هنرمندان ایرانی عبارت بودند از: پرویز تناولی، مسعود عربشاهی، حسین زنده‌رودی، محمد احصایی، بهمن جلالی، ملیحه افغان، ملکه نائینی، ژیلای پیکوک، شیرین نشاط، شیرازه هوشیاری، آنه محمد تاتاری، فرخنده شاهرودی، ناصر پلنگی، خسرو حسن‌زاده، شادی قدیریان، گلناز فتحی و فرهاد مشیری. میان این همه تصویر، صورت زنده رودی با لبخند شیطنت آمیزش طنز می‌کرد! پوستر نمایشگاه اثر هنرمند عراقی مقیم فرانسه، حسن مسعودی بود که دو حرکت قوی ضرب قلم را یادآور می‌شد.

«یا رحیم» اثر زیبای هنرمند مسلمان چینی «حاجی نورالدین می‌گوان جی یانگ» از جمله آثار نمایشگاه بود که با ترکیب موفقی از عناصر فرهنگ چینی و اسلامی در خاطر می‌ماند. «الله» محمد احصایی فاخرانه زیبایی شناسی مدرن وام گرفته از خطاطی سنتی ایران را به رخ می‌کشید و اثر مسعود عربشاهی نمایانگر شاخص اصالت در هنر مدرن ایران بود. جالب آن که بخش عکاسی نمایشگاه با حضور سه هنرمند فقط به ایران اختصاص داشت.

بر دیواری از نمایشگاه، بهمن جلالی در تلفیقی از خوشنویسی نستعلیق و چهره بانویی، ملاحظتهای زن و لطافت نستعلیق را با گردش خاص قلم این شیوه خوشنویسی ایرانی عجین کرده بود و اثری سرافراز و متفکر در گردش بین گذشته و حال آفریده بود. در حالی که شادی قدیریان بر دیوار دیگری، نگاه دیگری را نسبت به زن ایرانی ارائه می‌کرد که متأسفانه همچنان غیر منصفانه بود.

یکی از آثار زیبای نمایشگاه تابلوی گلدانی بر زمینه‌ای سفید از فرهاد مشیری بود. هنرمند بر روی گلدان رباعی منسوب به عمر خیام به شیوه نستعلیق آورده بود که:

عاشق همه ساله مست و رسوا بادا دیوانه و شوریده و شیدا بادا

با هشیاری غصه پرهیز خوریم گر مست شدیم هر چه بادا بادا

در سویی دیگر مونوپرنیت سوره فاتحه اثر زنده رودی به شیوه سیلک اسکرین با فرم‌ها و رنگهای زیبای ایرانی جذابتهای همیشگی حروف در آثار او را متجلی می‌کرد.

خوشبختانه حضور هنرمندان ایرانی در این نمایشگاه، حضوری شاخص و پر بار بود. اما در بین آثار دیگر هنرمندان، سه اثر که بسیار مرا تحت تأثیر قرارداد یکی کار لایلا شوا Laila Shawa هنرمند فلسطینی مقیم انگلستان بود که در دو بوم افقی طویل و موازی «فرزندان جنگ» و «فرزندان صلح» را زیر یکدیگر به تصویر کشیده بود. ردیفی از کودکان که در یک تابلو در تکراری به چپ و در تکراری دیگر به راست به شیوه دیجیتالی کنار هم چیده شده بودند با یک پای برهنه و یک پای پوتین پوش که تأثر عمیق هنرمند را نسبت به خشونت، فقر و بدبختی که کودکان فلسطینی را تحت فشار مداوم قرار می‌دهد، نمایان می‌کرد و دیگری کار صباح نعیم Sabah Naim هنرمند مصری که اجرایی ماهرانه داشت. این هنرمند با روزنامه‌های تا شده دسته دسته به زبانهای مختلف، بالا و پایین یک بوم را پر کرده بود. روزنامه‌ها تصویری از چند جوان را در برگرفته بودند. این روزنامه‌های در هم پیچیده شده با اندکی فاصله از تابلو، بافت سینه تیک بسیار زیبا و حرکات ریتمیک بسیار قوی را با توجه به رنگ و جهت قرار گرفتنشان ایجاد می‌کردند که مضاف بر پیام معاصر اثر، چشم‌نواز بود.

گفتارم را با شرح اثری از خلیج رباح Khalil Rabah هنرمند فلسطینی به پایان می‌برم. این اثر یک کتاب فرهنگ لغت بود که روی کلمه فلسطین باز شده بود و هنرمند تمام دو صفحه گشوده شده را به غیر از پاراگراف مربوط به فلسطین، با میخ‌های فولادی کلفت که با خشونت در کاغذها فرو شده بودند، یوشانده بود. در این نسخه فرهنگ لغت جامع امریکایی Oxford Desk Dictionary & thesaurus در پاراگراف مربوط به فلسطین آمده بود:

Ph. lis. tine/ Filisteen. 1: member of a people opposing the Israelites in ancient/ P. 2:

Person who is hostile or indfferent Culture, Vulgarian, barbarian, ignoramus, Materialist, Babbtit, Yahoo, boor,...

هنرمند با آفرینش این اثر بر هویت جمعی ناروایی که از او و کشورش در خارج ساخته‌اند، اشاره تلخی داشت که دل هر انسان آزادمنش و فرهیخته‌ای را به درد می‌آورد. نمایشگاه هنر خاورمیانه جذابیتهای بسیاری داشت که شرح همه آنها در این مختصر نمی‌گنجد.

اما ورای این جذابیتهای هنری و زیبایی شناسانه، اقدام موزه بریتانیا حرکتی شجاعانه است که جامعه هنر دوست جهانی را با باورها و سنت‌های غنی فرهنگی مسلمانان آشنا می‌سازد. در این دورانی که متأسفانه تحت تأثیر تبلیغات سیاسی، غربی‌ها همه اعمال منفی را به مسلمانان نسبت می‌دهند، این نمایشگاه فرصتی را فراهم آورده که انگلیسی‌ها و سایر ملت‌های دنیا که خاورمیانه را معمولاً فقط با نفت می‌شناسند، با جنبه‌های اصیل فرهنگ اسلامی و هنر غنی و معاصر مسلمانان آشنا شوند.

تلاش خانم پورتر و سایر دست‌اندرکاران موزه بریتانیا را در ایجاد این حرکت مهم فرهنگی ارج می‌نهم و امیدوارم توانسته باشم خوانندگان عزیز بخارا را تا سر حد امکان در این تجربه بصری شریک نمایم.

لندن / دوم خرداد ماه ۸۵

# لوہی فردینان سلین

